

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال چهارم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۷

صص ۲۵-۵۰

## تأثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر امنیت مرزها

### مطالعه موردی: بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه استان کرمانشاه

دکتر محمدباقر قالیباف\* - استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

اسلام یاری شگفتی - کارشناس ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران

مهدی رمضانزاده لسبویی - کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۵/۳

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۲/۳۱

#### چکیده

امروزه حفاظت و حراست از سرزمین در سراسر کره زمین برای تمام کشورها یک ارزش به حساب می‌آید. ضمانت تحقق این امر بدون شک مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل می‌باشد. امنیت بنیادی‌ترین نیاز هر جامعه و مهمترین عامل برای دوام زندگی اجتماعی به‌شمار می‌رود. کشور ایران دارای مرزهای زیادی با همسایگان خود می‌باشد که ناامنی آنها نگرانی‌هایی را برای مرزنشینان و دولت مرکزی به وجود آورده است. در همین راستا اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع، مسأله‌ای است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته است. هدف اصلی این مقاله بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی بر امنیت مناطق مرزی می‌باشد.

روش تحقیق از نوع توصیفی - تحلیلی بوده است و اطلاعات به روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه گردآوری شده است که در نهایت اطلاعات جمع‌آوری شده به وسیله نرم‌افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که ساکنان این بخش از مرز، اعتماد زیادی نسبت به یکدیگر دارند. جامعه نمونه، ضمن تأیید مرزهای آرام در این منطقه، وجود برخی ناامن‌هایی مانند قاچاق کالا و مشروبات الکلی را تأیید می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت، امنیت مرز، نوسود، کرمانشاه.

## ۱- مقدمه

امروزه مطالعات زیادی در مورد مرزهای جغرافیایی صورت گرفته است (Glassner, 1993: 72)، مرزها در روی نقشه‌ها به صورت خطوطی ظاهر می‌شوند که قلمرو حاکمیت هر کشوری را نشان می‌دهند (Ibid: 76)، مرز سیاسی به پدیده‌ای اطلاق می‌شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند و یا دست کم آن را محدود می‌سازد (میرحیدر، ۱۳۷۵: ۱۱۴). حفاظت و حراست از خاک سرزمینی امروزه در سراسر کره خاکی و برای تمام کشورها یک ارزش به حساب می‌آید و ضمانت تحقق این امر نیز مدیریت مرزها و داشتن مرزهایی با امنیت کامل می‌باشد. به‌راستی چرا دولت‌ها باید به مسائل امنیت مرزی و به‌طور کلی راهبردها و برنامه‌های امنیتی مربوط به مرزها بپردازند؟ واژه سرمایه اجتماعی اکنون یک مفهوم آشنا در علوم اجتماعی است، مفهوم سرمایه در گذشته و به‌طور اولیه در اقتصاد مطرح بود اما این مفهوم به تازگی در علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و تاریخ وارد شده است. انواع بسیاری از سرمایه از قبیل سرمایه هویت، سرمایه انسانی، سرمایه آکادمیک، سرمایه فیزیکی، سرمایه مالی و سرمایه مادی وجود دارد اما آنچه در این مقاله مدنظر است سرمایه اجتماعی می‌باشد. امروزه تعاریف متعددی در ارتباط با مفهوم سرمایه اجتماعی<sup>۱</sup> مطرح شده که باعث ایجاد سردرگمی نسبت به این مفهوم شده است (National Statistic, 2001: 3) اهمیت نقش سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع مسأله‌ای است که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از محققان قرار گرفته و به‌عنوان یکی از شاخص‌های توسعه در نظر گرفته می‌شود. تجارب متعدد کشورهای مختلف حاکی از این مسأله است که صرف وجود سرمایه مالی و امکانات اقتصادی و منابع طبیعی نمی‌تواند به توسعه منتهی شود، بلکه ترکیب مناسب از سرمایه‌های انسانی، فرهنگی و اجتماعی لازم است تا رویداد توسعه جامه عمل پوشد.

وجود تهدیدات نظامی، رفت و آمدهای غیرقانونی، حضور قاچاقچیان به دلیل قاچاق کالا (رزقانی، ۱۳۸۵: ۱۶۵)، گروهک‌های مخالف دولت مرکزی، اشرار و مهمتر از همه توسعه‌نیافتگی

<sup>۱</sup> - Social capital

فضاها و سکونت‌گاه‌های جغرافیایی، مرزهای کشور را به نقاط دارای خطر مبدل ساخته است. جلوگیری از این بحران‌ها، تمهیدات و مدیریت‌های خاصی را از سوی دولت مرکزی می‌طلبد. غفلت از مرزهای هر کشور می‌تواند در مرحله اول حفظ تمامیت ارضی و در مرحله بعدی شرایط روانی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی مملکت را با چالش روبرو سازد. توسعه‌یافتگی سکونت‌گاه‌ها و فعالیت اقتصادی و اجتماعی در مرزها امنیت مناطق مرزی را به ارمغان می‌آورد. توسعه ملی و امنیت دارای ارتباطات متقابل می‌باشند، از یک سو توسعه و حرکت به سمت آن به تقویت مبانی قدرت ملی و در نتیجه امنیت در کشور می‌انجامد و از سوی دیگر فراهم آمدن امنیت ملی یکی از بسترهای مناسب جهت توسعه ملی را فراهم می‌آورد (احمدی پور، ۱۳۸۶: ۲۹). مرزها هم جزء جدایی‌ناپذیر و حساس هر کشور به شمار می‌رود که امنیت در مناطق مرزی پیش‌زمینه امنیت ملی است.

هدف اصلی در این مقاله تعریف و بررسی شاخص‌های مختلف سرمایه اجتماعی و ضرورت حفظ آن در مرزهای کشور و شناسایی تأثیرات آن بر امنیت پایدار مرزها می‌باشد. در واقع این مقاله در پی بررسی سرمایه اجتماعی موجود در بخش مرزی نوسود استان کرمانشاه با کشور عراق است. در این بررسی ابعاد مختلف سرمایه اجتماعی نظیر مشارکت، اعتماد، شبکه‌ها، هنجارها و نهادها مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

## ۲- بحث نظری

در این پژوهش با توجه به این که شاخص‌های منتخب و تأثیرگذار از تئوری‌های اندیشمندان سرمایه اجتماعی انتخاب شده است، به همین دلیل ابتدا مفاهیم و تئوری‌های سرمایه اجتماعی بحث و در نهایت مباحث مربوط به مرزها و عوامل تأثیرگذار بر امنیت مرزها بحث می‌شود. سرمایه اجتماعی تاریخچه‌ای بس طولانی و نامحسوسی در میان علوم اجتماعی دارا می‌باشد. اولین کسی که این اصطلاح را به کاربرد هانی فان<sup>۱</sup> بود. بعدها جیمز کلمن<sup>۲</sup> نقش شرکت اجتماعی را در شکل‌گیری فرهنگ و تعلیم و تربیت شرح داد. سرمایه اجتماعی مفهومی بود که

<sup>۱</sup> -Hani fan

<sup>۲</sup> - James coleman

مدتی از مباحث دور ماند بعد از آن جین جاکوب<sup>۱</sup> در اواخر دهه ۶۰ دوباره آن را مطرح ساخت سپس لوری<sup>۲</sup> در دهه ۷۰ و کلمن در دهه ۸۰ آن را به تفصیل شرح دادند. همچنین پیر بوردیو<sup>۳</sup> جامعه‌شناس فرانسوی، تحقیقاتی در این مورد به عمل آورد (Woolcock, 2001: 194). سرمایه اجتماعی یکی از ابعاد برجسته تحقیقاتی علوم اجتماعی است، این اصول اجتماعی باعث تقویت افراد و گروه‌ها می‌شود (Bourdieu, 1980:45). سرمایه اجتماعی با عضویت در گروه‌ها و انجمن‌ها، اهداف گروهی نظیر دموکراسی، مشارکت و توسعه اجتماعی را تقویت می‌کند (Putnam, 2002: 69). پوتنام مدعی است که شرکت در اجتماع مانند شبکه‌های رسمی و شبکه‌های غیررسمی جامعه، مرکز اصلی مفهوم سرمایه اجتماعی است (Putnam, 2000: 56).

---

<sup>۱</sup>- Jine Jakoob

<sup>۲</sup>- Glenn loury

<sup>۳</sup>- Pierre Bourdieu

جدول شماره ۱: ابعاد سرمایه اجتماعی از دیدگاه برخی نظریه پردازان

| ابعاد   | نظریه پرداز                               |
|---|---|
| اندازه گروهی شبکه                                   | کلمن                                      |
| حجم سرمایه که هر کدام از اعضای شبکه دارای آن هستند. |   |
| تعهدات، انتظارات و اعتماد متقابل                    | بورديو                                    |
| کانال‌های ارتباطی                                   |   |
| هنجارها و ضمانت‌های اجرایی مؤثر                     |   |
| اعتماد  | از دیدگاه گروه<br>کندی دانشگاه<br>هاروارد |
| مشارکت سیاسی  |   |
| مشارکت و رهبری مدنی                                 |   |
| پیوندهای اجتماعی غیررسمی                            |   |
| بخشش و روحیه داوطلبی                                |   |
| مشارکت مذهبی  |   |
| عدالت در مشارکت مدنی                                |   |
| تنوع معاشرت‌ها و دوستی‌ها                           |   |

مأخذ: (الوانی و سید نقوی، ۱۳۸۰: ۲۴).

پوتنام در مطالعه خود کاهش داوطلبی، اعتماد بین شهروندان و شرکت سیاسی در ایالات متحده را مطرح می‌سازد. شبکه‌هایی که از فعالیت‌های بالا توسعه می‌یابند، همکاری و ارتباط را پرورش می‌دهند، روابط بسط یافته و اجازه می‌دهند تا تعارضات آسان‌تر در این جوامع حل شود. او مدعی است، کاهش در سرمایه اجتماعی در ایالات متحده وجود داشته است و روابط و تعاملات مردم با دیگران را تغییر داده است. اگرچه سرمایه اجتماعی در مطالعه شبکه‌های اجتماعی مفهوم‌سازی شده، به شاخه‌های مجزا و گاهی مناطق واحد مطالعه منشعب شده است.

دکر<sup>۱</sup> نیز سرمایه اجتماعی را به عنوان شبکه‌های فعال در نظر می‌گیرد. سرمایه اجتماعی به عنوان درمان نتایج درهم گسیخته فروپاشی اجتماعی و ناپدید شدن به هم پیوستگی است. از آن انتظار می‌رود تا همکاری، رفاه و رشد اقتصادی را برانگیزد، که نتیجه روندهای اجتماعی دموکراتیک است که به طور همزمان در نظر گرفته می‌شود. این به پتانسیل توسعه مهارت‌ها و نگرش‌های اجتماعی دلالت دارد. به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی چاره کلی بسیاری از جنبه‌های مضر جوامع دموکراتیک پیشرفته باشد. دکر و اوسلانر همچنین عقیده دارند که سرمایه اجتماعی می‌تواند، ناهنجاری‌های غیرقابل پیش‌بینی نظریه‌های عاقلانه عمومی را در چارچوب همکاری اجتماعی و همبستگی روشن نماید.

## ۲-۱- تئوری‌های سرمایه اجتماعی

۲-۱-۱- تئوری پیوندهای ضعیف: اولین تئوری برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی تئوری پیوندهای ضعیف است. مطابق این تئوری، هرچه شدت و استحکام روابط میان اعضای یک شبکه بیشتر باشد ارزش سرمایه اجتماعی کمتر است، هرچه شدت و استحکام این روابط ضعیف‌تر باشد نشان‌دهنده سرمایه اجتماعی بیشتر است. گرانووتر<sup>۲</sup> (۱۹۷۳م) واضع تئوری پیوندهای ضعیف معتقد است که می‌توان سرمایه اجتماعی را از نظر شدت، تکرار و شمولیت انواع مختلف روابط مانند دوستی‌ها و همکاری‌ها مورد سنجش قرار داد. شدت و استحکام روابط یک گروه اجتماعی در داخل گروه موجب تضعیف روابط اعضای آن گروه با بیرون می‌شود. گرانووتر معتقد بود که روابط منسجم میان اعضای یک گروه منجر به روابط ضعیف با اعضای گروه‌های خارجی شده و سرمایه اجتماعی را کاهش می‌دهد و به عکس، پیوندهای ضعیف درون گروهی موجب ایجاد روابط با افراد و گروه‌های خارجی شده و به ایجاد سرمایه اجتماعی می‌انجامد (الوانی، ۱۳۸۵: ۸).

<sup>1</sup> - Dekker

<sup>2</sup> - Granovetter

۲-۱-۲- **تئوری شکاف ساختاری:** این تئوری در سال ۱۹۹۲م توسط بورت<sup>۱</sup> برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی به کار برده شد. تئوری شکاف ساختاری بر روابط میان فرد و همکاران در یک شبکه و روابط میان همکاران با همدیگر تأکید دارد. منظور از شکاف در این تئوری فقدان ارتباط میان دو فرد در یک شبکه اجتماعی است که به خودی خود امتیازی برای جامعه تلقی می‌شود (همان: ۹). مطابق تئوری شکاف ساختاری اگر یک فرد در شبکه اجتماعی خود با همکارانی که با هم در ارتباط نیستند یا حداقل ارتباط اندکی با هم دارند ارتباط برقرار کند، نهایت استفاده را خواهد برد. بنابراین تقویت شبکه‌های شکاف‌دار دارای مزایایی مانند ارزیابی سریع اطلاعات، قدرت چانه‌زنی مضاعف و افزایش قدرت کنترل بر منابع و نتایج است (seibert, 2001: 30). پیوندهای ساختاری می‌تواند برای بهبود عملکرد سرمایه اجتماعی مؤثر واقع شود، برای نمونه مشارکت در اجرای برنامه‌های پرداخت مشترک حق بیمه می‌تواند در زمان بازپرداخت از طرف شرکت بیمه مؤثر واقع شود (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۳۱).

۲-۱-۳- **تئوری منابع اجتماعی:** سومین رویکرد نظری اصلی برای مفهوم‌سازی سرمایه اجتماعی نظریه منابع اجتماعی است. نظریه منابع اجتماعی بر ماهیت منابعی که در شبکه وجود دارد، تأکید می‌کند. لین<sup>۲</sup> و همکارانش در سال ۱۹۸۱م پیوندهای موجود در شبکه را بدون وجود منابع داخل آن کارآمد نمی‌دانند، به‌عنوان مثال ممکن است اعضای شبکه دارای منابع زیادی از جمله قدرت نفوذ و تحصیلات عالی باشند و به‌عنوان منابع با ارزش شناخته شوند اما این منابع تنها در صورتی سرمایه محسوب خواهد شد که فرد نیاز به آن منابع داشته باشد. در مثال اخیر اگر فرد برای رسیدن به هدفی نیازمند قدرت نفوذ همکار خود باشد آن منبع خود به خود سرمایه تلقی خواهد شد و طبعاً سایر منابع اعضا مانند تحصیلات عالی، سرمایه به حساب نخواهد آمد. در پایان این بحث می‌توان چکیده‌ای از اهداف و کارکرد و تعاریف سرمایه اجتماعی را در جدول شماره ۲ ارائه کرد.

<sup>۱</sup>- Burt

<sup>۲</sup>- Lin

جدول شماره ۲: کارکرد، اهداف و سطوح عملکردی سرمایه اجتماعی

| نظریه پرداز    | تعریف   | کارکرد/هدف   | سطح تحلیل                                 | بازدهی            |
|----------------|---|--|---|-------------------|
| پاتنام         | شبکه‌های روابط اجتماعی که معیارهای هنجارهای اعتماد و همیاری است               | تسهیل کنش جمعی و کسب منفعت متقابل                    | مناطق، اجتماعات در مقیاس ملی و بین‌المللی | جمعی              |
| بورديو         | منابعی که دسترسی به کالاهای جمعی را فراهم می‌سازد                             | مولد سرمایه اقتصادی                                  | رقابت‌های طبقاتی                          | خصوصی و طبقاتی    |
| کلمن           | جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی که کنش‌های منطقی را تسهیل می‌نمایند.              | تولید سرمایه انسانی                                  | افراد در زمینه‌های خانوار و دیگر اجتماعات | خصوصی و جمعی      |
| لین            | دسترسی و استفاده از منابع نهفته در روابط و شبکه‌های اجتماعی                   | تولید منابع قدرت و حفظ آنها                          | افراد در شبکه‌ها و ساختارهای اجتماعی      | خصوصی             |
| فوکویاما       | مجموعه‌ای از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی                                      | ترویج تعاون و همکاری، کارایی اقتصادی و ثبات دموکراسی | جوامع و فرهنگ‌ها                          | خصوصی و جمعی      |
| بیکر           | منابعی که از طریق شبکه‌های فردی و یا سازمانی قابل حصول هستند                  | تقویت بده بستان و کنش متقابل                         | گروه‌ها و سازمان‌ها                       | فردی              |
| ولکوک و ناریان | شبکه‌ها و همکاری بین بخش‌های مختلف  | تقویت ارتباط و استفاده بهینه از منابع                | محلی و ملی                                | فردی و جمعی       |
| کاکس           | پوش‌های بین مردم که شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اجتماعی را موجب می‌شوند.        | تسهیل هماهنگی تعاون و تقویت تساهل و تسامح            | فرد در سازمان‌های داوطلبانه               | جمعی              |
| پاکستون        | پیوستگی‌های عینی و ذهنی بین افراد   | افزایش ظرفیت و قابلیت کنش                            | خرد، کلان                                 | فردی، گروهی، جمعی |
| ترنر           | نیرویی که توان توسعه اقتصادی را در جامعه از طریق روابط اجتماعی افزایش می‌دهد. | توسعه اقتصادی بهینه قابلیت جمعی تولید                | خرد، میانی، جمعی                          | فردی، جمعی        |

مأخذ: (غفاری، ۱۳۸۶: ۱۹۱).

## ۲-۲- مرز<sup>۱</sup>

مناطق مرزی به دلیل تماس با محیط‌های گوناگون داخلی و خارجی، از ویژگی‌های خاصی برخوردارند. وجود مبادلات و پیوندهای فضایی دو سوی مرز و بین کشورهای مجاور، آسیب‌پذیری‌ها و تهدیدات مختلف، مرزها را به کانون‌های حساسی مبدل ساخته است (عندلیب، ۱۳۸۴: ۱). امروزه نظریات مختلفی در مورد مفهوم مرزها وجود دارد (جدول شماره ۳). نیلز هانسن<sup>۲</sup> در سال ۱۹۷۸م مطالعات زیادی را در مورد مرزها انجام داد، هانسن در بررسی‌های خود با توجه به نظریات کریستالر و لوش<sup>۳</sup> به نکات مثبت و منفی مناطق مرزی می‌پردازد. وی

<sup>۱</sup> - boundary

<sup>۲</sup> -Hansen

<sup>۳</sup> - Losch



محرومیت، توسعه نیافتگی و حاشیه‌ای بودن را از جمله نکات منفی مرزها محسوب کرده و خطر تهدیدات نظامی را به‌عنوان مهمترین نکته منفی در مرزها می‌داند. در همین راستا جونز<sup>۱</sup> و وایلد<sup>۲</sup> مناطق مرزی را به‌عنوان مناطق حاشیه‌ای و توسعه نیافته می‌شناسند. این حاشیه‌ای بودن اگرچه معلول شرایط جغرافیایی می‌باشد اما با برقراری مرز بین دو کشور، این فضاها از یکدیگر می‌گسلند و حاشیه‌ای می‌شوند که این خود علت عقب ماندگی است (همان: ۴۴-۲۶).

بنابراین مرزهای سیاسی مهمترین عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی از دیگر واحدها است که وحدت سیاسی را در یک سرزمین که ممکن است فاقد هرگونه وحدت طبیعی یا انسانی باشد، ممکن می‌سازد. چنانچه منظور از واحد سیاسی حکومت باشد، خطوطی که سرزمین یک حکومت را از حکومت‌های دیگر جدا می‌کند به‌عنوان مرزهای بین‌المللی تعریف می‌شوند. جونز و وایلد برای توسعه مناطق مرزی و خروج از انزوا شناخت متغیرهای تأثیرگذار، ایجاد زیرساخت‌ها، گسترش ارتباطات با داخل و خارج، پیوستگی مرز با مرکز، توجه به تعاملات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی مرزنشینان با همسایگان مرزی و ارائه راه‌حل‌هایی برای توسعه این مناطق را پیشنهاد می‌کنند. مروری بر مطالعات تجربی انجام شده در جهان اهمیت مرزها را نشان می‌دهد. اولین حرکت تمامی دولت‌ها برای برقراری امنیت در مناطق مرزی توجه به توسعه آن است، برای نمونه می‌توان به مرز طولانی و فقیر بین آمریکا و مکزیک اشاره کرد که محلی برای قانون‌گریزان شده بود اما با ایجاد اشتغال، گسترش فرصت‌های شغلی، افزایش سطح درآمد و بالا بردن سطح رفاه، بسیاری از نکات منفی و تهدیدات به نقاط مثبت و فرصت‌ها تبدیل شده است.

تحولات سیاسی - نظامی در آغاز قرن بیست و یکم سرعت چشمگیری یافت و در گستره جهانی، ناامنی‌هایی را به‌وجود آورد، به‌طوری که از نظر کارشناسان مهمترین تهدیدات قرن بیست و یکم برای کشورهای مختلف تهدیدات اقتصادی، ارضی، سیاسی و زیست محیطی است، پس کنترل مرزها امری ضروری است (پورموسوی، ۱۳۸۲: ۴۳-۵۰).

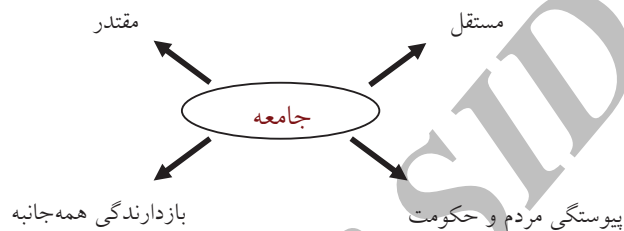
در همین راستا یکی از بندهای موجود در چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران، «امنیت ملی»

<sup>1</sup> - Philip N. joens

<sup>2</sup> - Triver wild

می‌باشد. امنیت ملی در بعد بیرونی، دارای دو شاخص استقلال (سیاسی، اقتصادی) و اقتدار می‌باشد (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۱۸).

شکل شماره ۱: ویژگی‌های یک جامعه با امنیت کامل



مأخذ: (رضایی، ۱۳۸۴: ۲۱۸).

به‌واسطه حوادث و رخداد‌های تاریخی و نیز رویکردهای قهرآمیز حکومت‌های مرکزی در طول زمان، مفهوم مرز و مناطق مرزی در اغلب موارد یادآور نوعی «خطر و ناامنی» است و ضمناً پیوستگی به اقدامات نظامی را به ذهن متبادر می‌سازد. در این چارچوب قاعده‌تاً این ضرورت مطرح است که حداقل دو مفهوم بنیادین امنیت و توسعه نیز - هم به تفکیک و هم در ارتباط با یکدیگر - تبیین و تعریف شوند. آنچه که معمولاً و به‌طور رایج از مفهوم امنیت انتظار می‌رود، امنیت نظامی و انتظامی است، حال آن‌که در ارتباط با تبیین دقیق مفهوم امنیت، نیاز است انواع دیگر امنیت نیز مد نظر قرار گیرد. در کنار امنیت انتظامی، انواع امنیت از جمله امنیت فرهنگی، امنیت اجتماعی، امنیت اقتصادی، امنیت حقوقی و امنیت سیاسی مطرح می‌باشد.

جدول شماره ۳: مرز از دیدگاه اندیشمندان

| محقق               | تعریف   |
|--------------------|---|
| دره<br>میرحیدر     | مرز <sup>۱</sup> به پدیده فضایی گفته می‌شود که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاص در مقابل حرکت انسان، انتقال کالا یا نشر افکار مانع ایجاد می‌کند. مهمترین کارکرد مرزها، ایجاد مانع در برابر حرکت انسان، کالا و تفکرات است (میرحیدر، ۱۳۸۰: ۱۱۴).   |
| مویر               | مرزها در جایی به وجود می‌آیند که فصل مشترک عمودی میان حاکمیت‌های کشوری از سطح زمین می‌گذرد (مویر، ۱۳۷۹: ۲۸۱).   |
| محمدرضا<br>حافظنیا | مرز عامل تشخیص و جدایی یک واحد متشکل سیاسی یا کشور از دیگر واحدهای مجاور است. به عبارت دیگر، مرز جداسازنده قلمرو فرمانروایی دو نظام سیاسی است (حافظنیا، ۱۳۷۹: ۱۹۰).   |
| پیروز<br>مجتهدزاده | انسان برای مشخص ساختن پیرامون جولانگاه خود، آن‌گونه که با گستره جولانگاه همسایه تداخل نیابد، ناچار به تعیین خطوطی قراردادی در بخش پیرامون محیطزیست یا قلمرو خود است. گونه گسترش یافته این مفهوم خط پیرامونی است که بخش پایانی جولانگاه یک دولت را مشخص می‌سازد و جنبه سیاسی پیدا کرده است، مرز خوانده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۳۱). |
| مارتین<br>گلاسنر   | مرز یک خط نیست، بلکه یک سطح است. خطی عمودی که از طریق فضا، خاک و زیرزمین کشورهای همسایه را از یکدیگر جدا می‌کند. این سطح در روی زمین به صورت یک خط به نظر می‌رسد (Glassner, 1993: 75).  |
| پیتر تیلور         | مفهومی با نگاه از بیرون به درون است که افتراق و جدایی را نشان می‌دهد (Taylor, 1991: 145).   |
| درایسدل<br>و بلیک  | مرز به پدیده فضایی اطلاق می‌گردد که منعکس کننده قلمرو حاکمیت سیاسی یک دولت بوده و مطابق قواعد خاصی در مقابل حرکت انسان و انتقال کالا مانع ایجاد کند (درایسدل و بلیک، ۱۳۷۴: ۱۰۱).  |
| پرسکات             | مرز به یک خط اشاره دارد و سرحد اشاره به یک ناحیه یا محدوده مرزی دارد (Perescott, 1987: 13).   |
| ماکس<br>دروثو      | مرز می‌تواند حدی باشد که دو ارتش در حال جنگ را در دو سوی یک جبهه نظامی عملاً از هم جدا کند (دروثو، ۱۳۷۴: ۷۰).   |
| رحمتی‌راد          | مرز، یعنی حدود و ثغور حاکمیت کشور، مهمترین عامل تشخیص و جدایی کشور از کشورهای همسایه، عامل به وجود آورنده وحدت سیاسی یا طبیعی و انسانی در کشور، بزرگترین عامل امنیت و استقلال و آخرین حد قلمرو یک کشور.   |

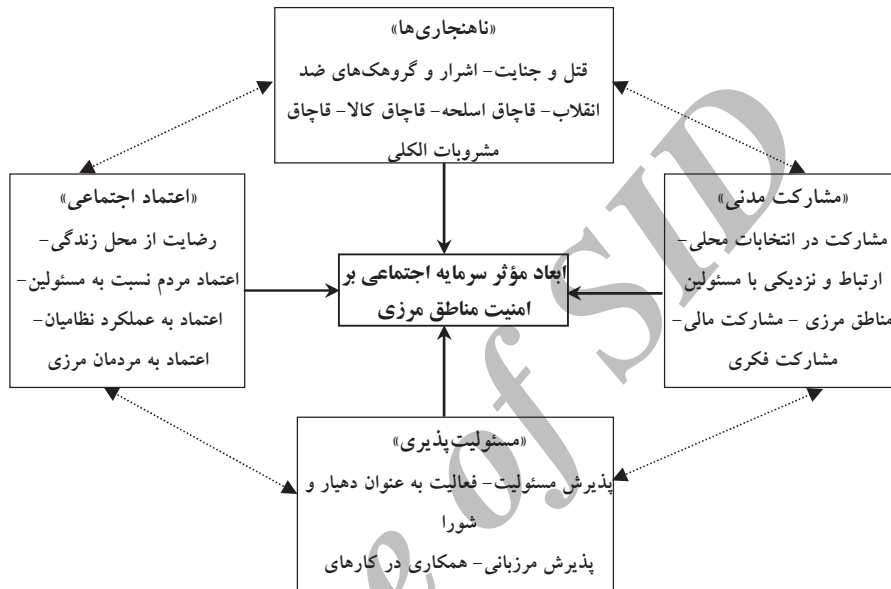
مأخذ: (طاهرخانی، ۱۳۸۷: ۳۲-۲۵).

<sup>1</sup> - Boundary

از سوی دیگر، گاهی توسعه را ابزار تحقق امنیت به شمار می‌آورند. مشخص است که این‌گونه نگاه به توسعه می‌تواند مانع درک مناسب از مفهوم این فرایند شود. در واقع، امنیت به خودی خود هدف نیست، بلکه خود می‌تواند ابزار توسعه واقع شود. به عبارت دیگر، «توسعه» همه جانبه با توجه به ابعاد گوناگون خود بدون امنیت امکان‌پذیر نیست و برای اجرا و پیشبرد برنامه‌های توسعه همواره امنیت یکی از پیش‌زمینه‌های اصلی و اساسی به‌شمار می‌رود. اگر بپذیریم که مرزها نیز همچون سایر قسمت‌های سرزمین، جزیی از سرزمین زادگاهی و قلمرو ملی است، آنگاه قاعدتاً نباید جزیی از سرزمین ملی پیوسته مخاطره‌آمیز جلوه نماید، بلکه باید با توجه به تفاوت‌های ذاتی آن با سایر قسمت‌ها (همان‌گونه که سایر قسمت‌های سرزمین نیز با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند) به عمران و توسعه آن به طور جدی اندیشید. البته به این منظور باید از رویکردهایی که یکی از دو مفهوم اساسی امنیت و توسعه را بر دیگری مقدم بر می‌شمارد، به طور جدی اجتناب ورزید. این دو مفهوم اصولاً ملازم یکدیگر هستند.

نامنی می‌تواند عوارض و ضایعات روان‌شناختی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و حتی سیاسی بر جای گذارد از نظر گرابوسکی نامنی ممکن است اثرات دراز مدتی بر کیفیت زندگی و بهره‌وری اقتصادی و اجتماعی داشته باشد (حسینی، ۱۳۸۶: ۱۱۲).

شکل شماره ۲: چارچوب تحلیلی تحقیق



مأخذ: (نگارندگان).

با توجه هدف تحقیق، ابتدا نیاز بود که مبانی اندیشه‌ای مرتبط با سرمایه اجتماعی مطالعه شود. با بررسی دیدگاه‌های نظریه‌پردازان در این حوزه بخش‌هایی از هر نظریه که با موضوع و منطق مورد مطالعه ارتباط داشت، انتخاب شد. در مبحث سرمایه اجتماعی نظریات پاتنام، بوردیو و فوکویاما مورد بررسی قرار گرفت. شاخص‌های اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری به‌عنوان متغیر مستقل انتخاب شد در مرحله بعد بررسی نظریات مرتبط با مرزها بود که نظریات هانسن، جونز و وایلد مورد بررسی قرار گرفت. متأسفانه در این نظریات به‌طور مستقیم اشاره به ابعاد سرمایه اجتماعی و رابطه آن با امنیت مناطق مرزی نشده است اما بعضی از شاخص‌های سرمایه اجتماعی از سوی جونز و وایلد مطرح شده است.

## ۲-۳- موقعیت جغرافیایی منطقه مورد مطالعه

استان کرمانشاه در غرب کشور بین طول‌های جغرافیایی  $۴۸^{\circ} ۶'$  و  $۴۵^{\circ} ۲۴'$  شرقی و عرض‌های جغرافیایی  $۳۵^{\circ} ۱۷'$  و  $۳۳^{\circ} ۴۱'$  شمالی قرار دارد. این استان دارای ۱۱ شهرستان، ۲۵ بخش، ۲۶ شهر و ۸۳ دهستان می‌باشد و ارتفاع آن از سطح دریا ۱۳۲۲ متر می‌باشد. مساحت استان در حدود ۲۵۶۴۱ کیلومتر مربع می‌باشد. شهرهایی اسلام‌آباد غرب، پاوه، ثلاث باباجانی، جوانرود، دالاهو، روانسر، سرپل ذهاب، سنقر، صحنه، قصر شیرین، کرمانشاه، کنگاور، گیلان غرب و هرسین در این استان قرار دارند. از شمال به استان کردستان، از جنوب به استان‌های ایلام و لرستان، از شرق به استان همدان و از غرب به کشور عراق محدود است. منطقه مورد بررسی در غرب کشور بر سر مرز ایران و عراق و در رشته کوه‌های زاگرس که ردیفی کوهستانی نیمه خطی با روند عمودی شمال باختری- جنوب خاوری بوده و در طولی بیش از ۱۵۰۰ کیلومتر، کناره جنوب غربی کشور را تشکیل داده است. ناحیه مورد مطالعه بخش مرزی نوسود شهرستان پاوه می‌باشد که ۱۶۴ کیلومتر مربع مساحت دارد.

جدول شماره ۴: تحولات جمعیتی بخش مرزی نوسود

| شهرستان | بخش   | جمعیت ۱۳۷۵ | جمعیت ۱۳۸۵ | نرخ رشد ۱۳۸۵-۱۳۷۵ |
|---------|-------|------------|------------|-------------------|
| پاوه    | نوسود | ۲۶۸۲       | ۳۰۲۵       | ۱/۲               |

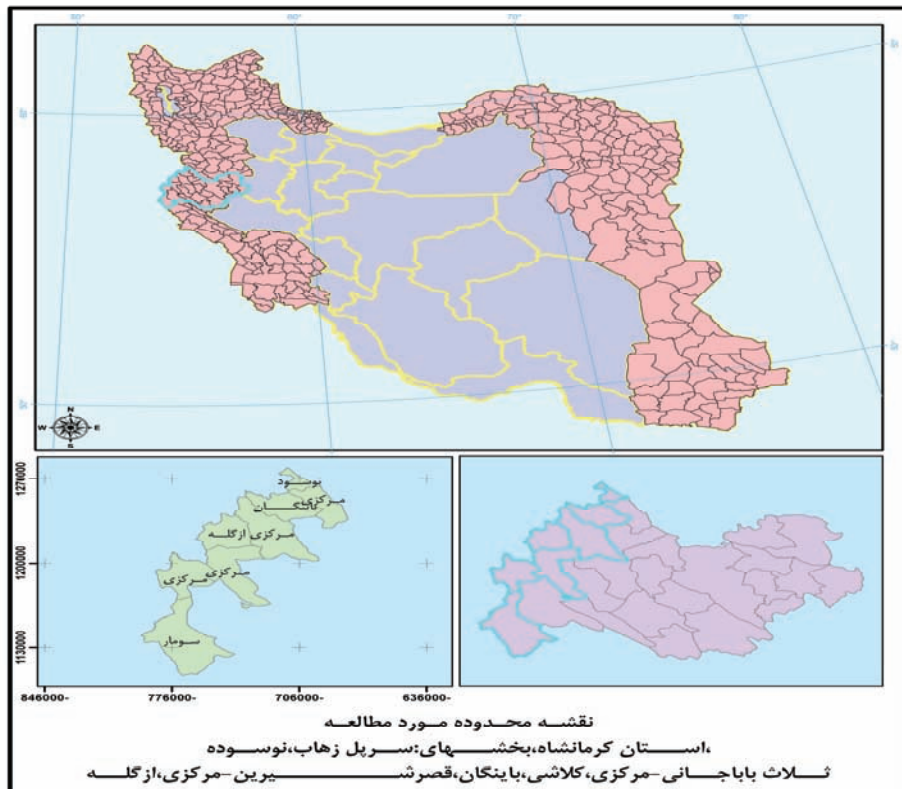
مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

جدول شماره ۵: ویژگی‌های جمعیتی بخش مرزی نوسود بر اساس آمار جمعیتی ۱۳۸۵

| شهرستان                   | پاوه  |
|---------------------------|-------|
| بخش                       | نوسود |
| مساحت بخش به کیلومتر مربع | ۱۹۷   |
| تعداد جمعیت شهری          | ۵۲۲۲  |
| تعداد خانوار روستایی      | ۸۴۴   |
| جمعیت روستایی             | ۳۰۲۵  |
| بعد خانوار                | ۳/۵۸  |
| نسبت جنسی جمعیت           | ۱۰۰   |
| تراکم نسبی جمعیت          | ۱۵/۳۵ |

مأخذ: (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵)

نقشه شماره ۱: بخش‌های مرزی استان کرمانشاه با کشور همسایه عراق



ترسیم: (نگارندگان).

### ۳- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به صورت توصیفی-تحلیلی است. ابتدا مبانی اندیشه‌ای مرتبط با موضوع از منابع موجود داخلی و خارجی منتشر شده به صورت کتاب، مقالات و پایان‌نامه‌ها جمع‌آوری و مطالعه گردیده است. روش میدانی نیز مبتنی بر روش پرسشنامه‌ای است که متغیرها با استفاده از هدف مورد نظر پژوهش و مطالعه مبانی نظری تهیه شده است. جامعه آماری در این مقاله تعداد ۲۲۵۹ خانوار می‌باشند که در بخش مرزی نوسود استان کرمانشاه

ساکن هستند. به منظور بررسی نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه و امنیت مناطق مرزی ابتدا شاخص‌های متناسب با موضوع از طریق مطالعه مبانی نظری استخراج و در قالب پرسشنامه تنظیم و در اختیار خانوارهای ساکن روستایی قرار گرفت. با توجه به مرزی بودن و مشکلات فراروی کارهای میدانی تعداد ۹۹ نمونه از کل جامعه انتخاب و با روش نمونه‌گیری تصادفی در قالب پرسشنامه، داده‌های مورد نیاز از آنها اخذ گردید، همچنین برای پردازش و تجزیه و تحلیل داده‌ها از بسته آماری SPSS به‌ویژه آزمون‌های آماری موجود در آن استفاده شده است.

#### ۴- یافته‌های تحقیق و تحلیل آن

برای درک رابطه بین جامعه نمونه و کل جامعه آماری ابتدا ۹ شاخص «تعرض گروهک‌های ضد انقلاب، تعرض قاچاقچیان، رسالت پاسگاه‌های مرزی در برقراری امنیت، رسالت نیروی انتظامی در برقراری امنیت، رضایت مرزنشینان از آن طرف مرز، تأثیر دولت در برقراری امنیت مرزی، رفت و آمدهای غیرقانونی، کمی تعداد پاسگاه‌های مرزی و تبعیت مرزنشینان از آن سوی مرز» با استفاده از آزمون کای اسکور مورد سنجش قرار گرفت. این شاخص‌ها همچنین تبیین‌کننده وضع موجود این منطقه مرزی است. یافته‌ها نشان می‌دهد که جامعه نمونه تعرض گروهک‌های ضد انقلاب در منطقه مورد مطالعه را تأیید می‌کند. با توجه به رتبه‌ای بودن پاسخ‌ها میانگین رتبه به‌دست آمده در این شاخص ۱/۷۰ اختلاف معناداری را با عدد ۳ (میان‌نظری) نشان می‌دهد که البته (p-value= ۰/۰۰۰) هم این مطلب را تأیید می‌کند. البته یافته‌های تحقیق در بررسی‌های میدانی و گفتگو با مسئولین مرزی در این قسمت از مناطق مرزی این مطالب را تأیید می‌کند. برای متغیر «تعرض قاچاقچیان» هم مانند متغیر قبلی است با توجه به اطلاعات جدول شماره ۶، ضعف رسالت پاسگاه‌های مناطق مرزی در برقراری امنیت که یک نقش کلیدی می‌باشد از دید جامعه نمونه تأیید نمی‌شود، چون ۴۲/۲ درصد از جامعه نمونه در برابر ۳۳/۶ درصد این متغیر را رد می‌کند. بیش از ۲۰ درصد جامعه نمونه اعتقاد دارند که تعداد پاسگاه‌های مناطق در این قسمت از مرز کم می‌باشد همچنین بیش از ۳۵ درصد از جامعه نمونه اعتقاد دارند که مرزنشینان از شرایط آن طرف مرز رضایت بیشتری دارد در مقابل ۳۷ درصد هم اعتقاد دارند که شرایط این طرف مرزی از آن طرف بهتر است. البته میانگین



رتبه‌های ۳/۱۶ با توجه به رتبه نظری ۳، حاکی از رضایت نسبی جامعه نمونه از شرایط زندگی در این طرف مرز می‌باشد (جدول شماره ۶).  
جدول شماره ۶: سطح معناداری ارزیابی ساکنین از متغیرهای مؤثر بر امنیت

| عنوان گویه                             | درصد فراوانی‌ها |        |         |        |              | درصد کل | میانگین رتبه | مقدار کای اسکوئر معناداری سطح |
|--|-----------------|--------|---------|--------|--------------|---------|--------------|-------------------------------|
|  | بسیار موافقم    | موافقم | تاحدودی | مخالقم | بسیار مخالفم |         |              |                               |
| تعرض گروهک‌های ضد انقلاب               | ۳/۸             | ۲/۹    | ۱۰/۶    | ۲۶     | ۵۶/۷         | ۱۰۰     | ۱/۷۰         | ۱۰۸/۶۲                        |
| تعرض قاچاقچیان                         | ۵/۸             | ۴/۸    | ۱۹/۲    | ۲۹/۴   | ۴۰/۴         | ۱۰۰     | ۲/۰۶         | ۴۷/۵۱                         |
| رسالت پاسگاه‌های مرزی در برقراری امنیت | ۱۷/۳            | ۲۵     | ۲۴      | ۱۱/۵   | ۲۲/۱         | ۱۰۰     | ۲/۹۹         | ۵/۱۹                          |
| رسالت نیروی انتظامی در برقراری امنیت   | ۱۳/۵            | ۲۷/۹   | ۲۵      | ۱۰/۶   | ۲۳/۱         | ۱۰۰     | ۲/۹۱         | ۸/۸۲                          |
| رضایت مرزنشینان از آن طرف مرز          | ۲۵              | ۱۵/۴   | ۲۳/۱    | ۱۱/۵   | ۲۵           | ۱۰۰     | ۳/۱۶         | ۶/۶۹                          |
| تأثیر دولت در برقراری امنیت مرزی       | ۲۲/۱            | ۲۱/۲   | ۲۶/۹    | ۱۳/۵   | ۱۶/۳         | ۱۰۰     | ۳/۰۸         | ۶/۱۸                          |
| رفت و آمدهای غیرقانونی                 | ۱۳/۵            | ۱۲/۵   | ۳۶/۵    | ۱۷/۳   | ۲۰           | ۱۰۰     | ۲/۹۱         | ۲۱/۶۵                         |
| کمی تعداد پاسگاه‌های مرزی              | ۳۳/۷            | ۲۶     | ۱۹/۲    | ۶/۷    | ۱۴/۴         | ۱۰۰     | ۳/۵۴         | ۲۱/۷۰                         |
| تبعیت از آن سوی مرز                    | ۱۳/۵            | ۸/۷    | ۱۹/۲    | ۳۴/۶   | ۲۴           | ۱۰۰     | ۲/۵۹         | ۱۰/۶۰                         |

\*معنادار در سطح ۹۹٪. مأخذ: (یافته‌های تحقیق)

مشارکت نیروهای بومی در فعالیتهای توسعه و پذیرش مسئولیت داوطلبانه در اداره امور از شاخص‌های تأثیرگذار سرمایه اجتماعی بر امنیت مناطق مرزی محسوب می‌شود. یافته‌های میدانی بیانگر آن است که مرزنشینان در انتخابات حضور فعالی دارند. چون آنها در برابر گزینه حضور در انتخابات بیش از ۵۰ درصد جامعه نمونه گزینه زیاد و بسیار زیاد را انتخاب کرده‌اند. اما در برابر سؤال ارتباط با مسئولان، بیشتر آنان اعتقاد دارند که ارتباط صمیمی و نزدیکی را با مسئولین تأمین کننده امنیت مناطق مرزی ندارند. همچنین در مورد متغیر

«معاشرت با مرز نشینان» بیش از ۵۰ درصد جامعه معتقدند که با مرز نشینان معاشرت دارند. همچنین بیش از نیمی از پاسخ گویان این گویه را تأیید می کنند که حاضرند مسئولیت اداره امور مناطق مرزی در قالب دهیاری ها و شوراهای اسلامی را بپذیرند، که این پاسخ بیانگر احساس مسئولیت بالای مرز نشینان در اداره مناطق مرزی است (جدول شماره ۷).

جدول شماره ۷: ارزیابی ساکنین از متغیرهای مشارکت اجتماعی و پذیرش مسئولیت در مناطق مرز

| عنوان گویه                               | درصد فراوانی ها |      |         |      |         |     | درصد کل | میانگین رتبه | سطح معناداری |
|--|-----------------|------|---------|------|---------|-----|---------|--------------|--------------|
|  | خیلی زیاد       | زیاد | تاحدودی | کم   | خیلی کم |     |         |              |              |
| حضور در انتخابات                         | ۳۲              | ۱۸/۳ | ۲۰/۲    | ۱۲/۵ | ۱۶/۳    | ۱۰۰ | ۳/۳۲    | ۰،۰۹۲        |              |
| ارتباط بسیار نزدیک با مسئولین مناطق مرزی | ۹/۶             | ۱۰/۶ | ۹/۶     | ۱۰/۶ | ۶۰/۶    | ۱۰۰ | ۱/۸۴    | ۰،۱۳۰        |              |
| مشارکت مالی و مشورتی برای توسعه          | ۱۴/۴            | ۱۰/۶ | ۲۲/۱    | ۱۷/۳ | ۳۵/۶    | ۱۰۰ | ۲/۴۱    | ۰،۰۰۴        |              |
| حاضریم به عنوان مرزبان فعالیت کنم        | ۱۶/۲            | ۹/۶  | ۱۰/۶    | ۹/۶  | ۵۳/۸    | ۱۰۰ | ۲/۱۴    | ۰،۳۳۹        |              |
| با اکثر مرز نشینان معاشرت دارم           | ۲۶/۷            | ۱۹/۲ | ۱۶/۳    | ۱۶/۳ | ۱۷/۳    | ۱۰۰ | ۳/۱۸    | ۰،۰۱۵        |              |
| حاضریم به عنوان شورا و دهیار فعالیت کنم  | ۲۲/۱            | ۱۴/۴ | ۱۳/۵    | ۱۷/۳ | ۳۲/۷    | ۱۰۰ | ۳/۱۱    | ۰،۰۱۱        |              |

مأخذ: (یافته های تحقیق)

برای بررسی رابطه بین میزان رضایت از شغل و هریک از متغیرهای چهارگانه سرمایه اجتماعی در تحقیق حاضر از ضریب همبستگی استفاده شده است. ابتدا بین این دو معیار میزان رضایت از شغل و اعتماد اجتماعی ضریب همبستگی ۰/۱۹۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۴ است. از آنجا که سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۱ کمتر است، بنابراین می توان گفت دو معیار میزان رضایت از شغل و اعتماد اجتماعی با یکدیگر همبستگی مستقیم با ۰/۹۹ اطمینان دارند. ضریب همبستگی بین این دو معیار میزان رضایت از شغل و ناهنجاری ها برابر با ۰/۰۶۹ و سطح معناداری آن ۰/۵۱۷ است. از آنجا که سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۵ بیشتر

است. بنابراین می‌توان گفت در این مطالعه موردی، دو معیار از یکدیگر مستقل‌اند و فرض رابطه بین آنها رد می‌شود. بین دو معیار میزان رضایت از شغل و مسئولیت‌پذیری مردمان مناطق مرزی ضریب همبستگی ۰/۱۱۶ و سطح معناداری آن ۰/۰۰۰ است. از آنجا که سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۱ کمتر است، بنابراین می‌توان گفت دو معیار با یکدیگر همبستگی مستقیم با ۰/۹۹ اطمینان دارند. این بدان معنا است که بالا رفتن میزان رضایت از شغل با احتمال ۰/۹۹ موجب افزایش مسئولیت‌پذیری مانند پذیرش مسئولیت‌دهیاری و شورا و دیگر مسئولیت‌های اجتماعی خواهد شد. میزان رضایت از شغل قطعاً برنامه‌ریزی دولت مرکزی، توسعه زیرساخت‌ها و پیوستگی این مناطق با مرکز را نشان می‌دهد که این یافته‌ها با تئوری جونز و وایلد ارتباط مستقیمی دارد.

جدول شماره ۸: بررسی رابطه بین میزان رضایت از شغل و شاخص‌های سرمایه اجتماعی

| متغیر         | مشارکت مدنی | مسئولیت‌پذیری | اعتماد اجتماعی | ناهنجاری‌ها |
|---------------|-------------|---------------|----------------|-------------|
| میزان         | ۲۰۰         | ۰،۱۱۶         | ۰،۲۹۷          | ۰،۰۶۹       |
| رضایت از      | ۰،۰۵۴       | **۰،۰۰۰       | **۰،۰۰۴        | ۰،۵۱۷       |
| شغل           | ۹۳          | ۹۰            | ۹۴             | ۹۰          |
| تعداد مشاهدات |             |               |                |             |

\* معناداری در سطح ۰،۰۵ \*\* معناداری در سطح ۰،۰۱ مأخذ: (یافته‌های حاصل از تحقیق)

از دیدگاه نظریه‌پردازان سرمایه اجتماعی، اعتماد اجتماعی یکی از مهمترین مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است که می‌تواند افزایش سرمایه اجتماعی را موجب شود (Putnam, 1993)، برای درک مقوله اعتماد در این تحقیق شاخص‌های مرتبط با امنیت در مناطق مرزی بر اساس جدول شماره ۸ طراحی شد که از دیدگاه جامعه نمونه مورد ارزیابی قرار گرفته، یافته‌ها نشان می‌دهد که درصد بسیار کمی از ساکنان از وضعیت زندگی خود رضایت دارند یعنی تنها ۱۵/۸ درصد از جامعه نمونه رضایت بالایی از زندگی در مرزها را دارند. که سطح معناداری به دست آمده هم این ادعا را ثابت می‌کند ( $p=0.0004$ ). سطح پایین میزان رضایت از زندگی افزایش مهاجرت از مناطق حاشیه‌ای را به همراه دارد، افزایش مهاجرت موجب تخلیه این مناطق و کاهش جمعیت هم نهایتاً این مناطق را به حاشیه می‌برد. وضعیت بقیه متغیرها از دید

جامعه نمونه در جدول شماره ۸ آمده است.

جدول شماره ۹: سطح معناداری ارزیابی ساکنین از متغیر اعتماد اجتماعی با استفاده از آزمون کای

اسکوئر

| عنوان گویه                      | بسیار موافقم | موافقم | تاحدودی | مخالقم | بسیار مخالفم | درصد فراوانی‌ها |              | مقدار کای اسکوئر | سطح معناداری |
|---------------------------------|--------------|--------|---------|--------|--------------|-----------------|--------------|------------------|--------------|
|                                 |              |        |         |        |              | درصد کل         | میانگین رتبه |                  |              |
| رضایت از محل زندگی              | ۵/۶          | ۱۰/۲   | ۲۹/۸    | ۲۴/۶   | ۲۹/۸         | ۱۰۰             | ۳/۶۵         | ۲۱/۱۲۹           | ۰،۴۲۱        |
| اعتماد به مردمان مرزی           | ۳۲/۷         | ۲۵     | ۲۱/۲    | ۹/۶    | ۱۱/۵         | ۱۰۰             | ۳/۵۳         | ۱۶/۰۷۹           | ۰،۰۰۳        |
| اکثر مردمان مرزی قابل اعتمادند  | ۳۱/۷         | ۲۱/۹   | ۲۴      | ۱۱/۵   | ۱۱/۵         | ۱۰۰             | ۳/۴۴         | ۱۱/۹۰۰           | ۰،۰۱۸        |
| اعتماد نسبت به یکدیگر           | ۲۹/۸         | ۱۹/۲   | ۲۸/۸    | ۱۱/۵   | ۱۰/۶         | ۱۰۰             | ۳/۴۰         | ۱۴/۷۰۰           | ۰،۰۰۵        |
| اعتماد به سپاه                  | ۱۹/۲         | ۹/۶    | ۲۵      | ۱۸/۳   | ۲۷/۹         | ۱۰۰             | ۲/۶۷         | ۱۱/۲۲۸           | ۰،۰۲۴        |
| اعتماد به فرمانداری و بخش اداری | ۱۷/۳         | ۷/۸    | ۳۳/۷    | ۲۱/۲   | ۲۲/۱         | ۱۰۰             | ۲/۶۸         | ۲۲/۷۱۳           | ×۰،۰۰۰       |

\* معنادار در سطح ۹۹٪ مأخذ: (یافته‌های تحقیق)

با توجه به این که ساکنان از وضعیت زندگی خود رضایت کافی ندارند این متغیر به عنوان یک متغیر رتبه‌ای می‌تواند در چهار شاخص اصلی سرمایه اجتماعی که مورد بررسی قرار گرفت، تأثیرگذار باشد. یافته‌ها نشان می‌دهد که فقط بین دو متغیر میزان رضایت از محل زندگی خود و اعتماد رابطه معنادار وجود دارد و در مابقی شاخص‌ها با توجه به اینکه سطح معناداری به دست آمده از خطای ۰/۵ بیشتر است پس فرض رابطه بین آنها رد می‌شود.

جدول شماره ۱۰: بررسی رابطه بین میزان رضایت از محل زندگی و شاخص‌های سرمایه اجتماعی

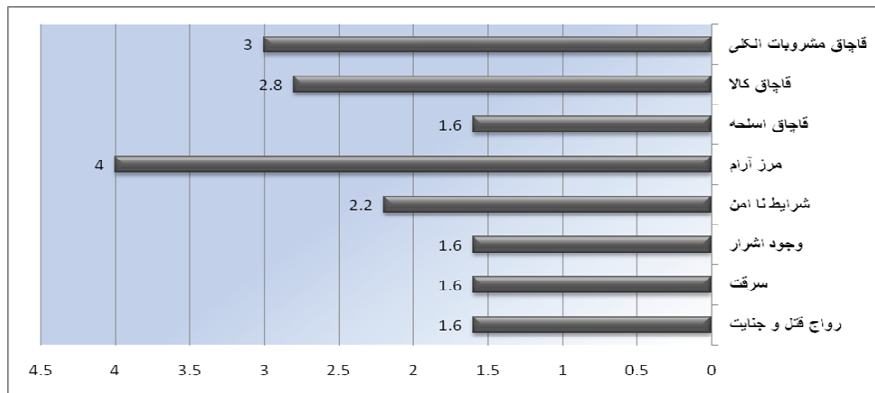
| متغیر                    | مشارکت مدنی | مسئولیت‌پذیری | اعتماد اجتماعی | ناهنجاری‌ها |
|--------------------------|-------------|---------------|----------------|-------------|
| میزان رضایت از محل زندگی | ۰،۱۰۲       | ۰،۱۳۸         | ۰،۵۷۴          | -۰،۱۰۸      |
| ضریب همبستگی             | ۰،۳۱۶       | ۰،۱۷۹         | **۰،۰۰۰        | ۰،۳۰۴       |
| سطح معناداری             | ۹۹          | ۹۶            | ۹۹             | ۹۳          |
| تعداد مشاهدات            |             |               |                |             |

\*\*معناداری در سطح ۰،۰۱ مأخذ: (یافته‌های حاصل از تحقیق)

اما بین این دو معیار میزان رضایت از محل زندگی و اعتماد اجتماعی، مردمان مناطق مرزی ضریب همبستگی ۰/۵۷۴ و سطح معناداری ۰/۰۰۰ است. از آنجا که سطح معناداری از میزان خطای ۰/۰۱ کمتر است، بنابراین می‌توان گفت دو معیار با یکدیگر همبستگی مستقیم با ۰/۹۹ اطمینان دارند. این بدان معنا است که بالا رفتن میزان رضایت از محل زندگی با احتمال ۰/۹۹ موجب افزایش اعتماد اجتماعی به دولت مرکزی، مسئولین مرزی و خود مردمان نسبت به یکدیگر و حتی اعتماد به عملکرد شورا خواهد شد (جدول شماره ۱۰).

بین ناهنجاری و عدم امنیت در هر فضای جغرافیایی رابطه معناداری وجود دارد. برای بررسی وضع موجود ناهنجاری‌های تأثیرگذار و تعیین‌کننده بر امنیت مناطق مرزی ۸ متغیر از دید جامعه نمونه مورد ارزیابی قرار گرفت. از بین متغیرهای مورد بررسی «قاچاق مشروبات الکلی» با رتبه ۳ و با در نظر گرفتن میانه نظری ۳ بالاترین امتیاز را از دید جامعه نمونه به خود اختصاص داده است و در رتبه‌های بعد «قاچاق کالا» با میانگین رتبه ۲/۸ قرار دارد میانگین رتبه‌های مربوط به دیگر متغیرها در نمودار شماره ۱ آمده است.

شکل شماره ۱: میانگین رتبه‌های مرتبط با بعد ناهنجاری‌های تأثیرگذار بر امنیت مناطق مرزی



مأخذ: (یافته‌های حاصل از تحقیق)

##### ۵- نتیجه‌گیری

امروزه مسائل امنیتی اساس توسعه هر کشوری را رقم می‌زند. مسائل امنیتی می‌تواند در ابعاد مختلف داخلی، خارجی و شهری بررسی شود. یکی از این ابعاد، مرزهای سیاسی هر کشور است که در راستای حفظ تمامیت ارضی کشور نقش کلیدی را بازی می‌کند. در برقراری امنیت مناطق مرزی در کنار مباحث نظامی‌گری روش‌های مدرن نرم‌افزاری کاربرد فراوانی دارد. یکی از روش‌های نرم‌افزاری بالا بردن سرمایه اجتماعی مانند میزان رضایت و تمایلات مرزنشینان می‌باشد. افزایش سرمایه اجتماعی می‌تواند هزینه‌های جاری در راستای تأمین امنیت مناطق مرزی را کاهش داده و پایداری آن را تضمین نماید. به هر جهت دولت باید برای برقراری امنیت مرزها نه تنها اقدامات سخت‌افزاری را انجام داده بلکه اقدامات نرم‌افزاری را هم مورد توجه قرار دهد. توجه به کانون‌های سکونتگاهی در مناطق مرزی کشور از طریق مشارکت‌پذیری، موجب کاهش شکاف عملکردی بین مناطق مرزی و سرزمین مادر شده و روند توسعه ملی کشور را شتاب می‌بخشد. بر اساس اصل ۴۸ قانون اساسی کشور، ایجاد عدالت فضایی از طریق توزیع درآمدها و تسریع فرایند توسعه ملی و همچنین توجه به ظرفیت‌های رشد و توسعه این مناطق مورد تصریح قرار گرفته است. بر اساس این اصل در

بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور نباید تبعیض باشد. در همین راستا مناطق مرزی و سکونتگاه‌های آن را می‌توان آسیب‌پذیرترین مناطق کشور قلمداد نمود که نه تنها در یک فرایند نابرابر، بنیان‌های محلی و ساختار توسعه‌ای خود را با افول مواجه دیده‌اند، بلکه الگوی مناسبی نیز جایگزین آن نشده و لذا ظرفیت‌های توسعه‌ای این مناطق، توان رقابتی خود را از دست داده‌اند. لذا بر اساس الگوی توسعه منطقه‌ای که رویکرد غالب توسعه در سال‌های اخیر بوده است، رقابتی نمودن مناطق بر اساس اصل همگرایی‌های منطقه‌ای امری ضروری در فرایند توسعه محسوب می‌شود. بنابراین توجه به مناطق مرزی به دلیل مجاورت مکانی - فضایی سکونتگاه‌های شهری و روستایی کشور با مرزهای خارجی موجب تقویت یکپارچگی ملی و ارتقای هویت فرهنگی و اجتماعی می‌گردد. مناطق مرزی به دلیل اتصال به کشورهای همجوار که ممکن است با تعارضات سیاسی نیز همراه باشد، در معرض خطر دائمی قرار می‌گیرند. در تئوری‌های آمایش فضایی، جلوگیری از فرایند تخلیه جمعیت نواحی مرزی و استفاده از ظرفیت‌های سکونتگاهی این مناطق، نوعی استراتژی امنیت ملی محسوب می‌شود که می‌باید زمینه‌های اجرایی این استراتژی مهیا گردد. تحقیق حاضر هم با هدف بررسی وضع موجود، امنیت و عوامل تأمین‌کننده آن در مناطق مرزی نوسود در استان کرمانشاه از دید جامعه نمونه مورد ارزیابی قرار گرفت که یافته‌ها بیانگر آن است که شاخص‌های اصلی مانند اعتماد، میزان مشارکت جامعه محلی، پذیرش مسئولیت اجتماعی، از دید جامعه نمونه در مناطق مرزی مثبت ارزیابی شده است. از طرفی دیگر مردم محلی، هرچند از وضعیت امنیتی منطقه رضایت نسبی دارند اما از عملکرد دولت مرکزی در قبال برقراری امنیت رضایت چندانی ندارند. میزان رضایت از محل زندگی هم از دید جامعه نمونه چندان بالا نیست، که دلایل مختلفی می‌تواند داشته باشد، یکی از این دلایل برقرار نبودن امنیت کامل برای زندگی و فعالیت‌های اقتصادی در منطقه می‌باشد. پیشنهاد مشخص این پژوهش برای تأمین امنیت مناطق مرزی، توسعه همه‌جانبه مرزها در ابعاد مختلف اجتماعی و اقتصادی می‌باشد، چون توسعه و امنیت دارای ارتباطات متقابل بوده و ملازم و مکمل یکدیگر هستند.

#### ۷- قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از فرماندهی انتظامی استان کرمانشاه، هنگ مرزی، جناب آقای خالد دارستان شهردار وقت نودشه، شورای شهر نودشه و از همه مرز نشینان مناطق مرزی بخش نوسود استان کرمانشاه که در جمع‌آوری اطلاعات میدانی همکاری داشته‌اند صمیمانه قدردانی نمایند.

Archive of SID



## منابع

۱. احمدی پور، زهرا و دیگران (۱۳۸۶)، بررسی روند شتاب توسعه یافتگی فضاهای سیاسی - اداری کشور، مطالعه موردی: استان‌های ایران در برنامه‌های اول تا سوم توسعه (۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶)؛ فصلنامه ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره اول، بهار.
۲. پرسکات، جی. آر (۱۳۵۸)، گرایش‌های تازه در جغرافیای سیاسی؛ ترجمه: دره میرحیدر، تهران: دانشگاه تهران.
۳. پورموسوی، سیدموسی (۱۳۸۲)، درآمدی بر بهینه‌سازی کنترل مرزهای مشترک سیاسی جمهوری اسلامی ایران (بخش اول)؛ جغرافیای نظامی و امنیتی، سال اول، پیش شماره ۴۰.
۴. تاجبخش، کیان (۱۳۸۴)، کاربرد نظریه‌ای سرمایه اجتماعی در تأمین اجتماعی؛ مجموعه مقالات نخستین سمپوزیوم سرمایه اجتماعی و رفاه اجتماعی.
۵. چوخابی‌زاده مقدم، محمد باقر (۱۳۸۱)، مجموعه مقالات همایش آمایش و دفاع سرزمینی؛ تهران: دانشگاه امام حسین (ع).
۶. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی - اجتماعی؛ قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس خارج از کشور.
۷. حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران؛ تهران: سمت.
۸. حسینی، حسین (۱۳۸۶)، مدیریت احساس امنیت در جامعه؛ فصلنامه امنیت، سال ششم، شماره ۱، پاییز.
۹. درایسدل، آلایسدر و بلیک، جرالد (۱۳۷۴)، جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا؛ ترجمه: دکتر دره میرحیدر، تهران: وزارت امور خارجه.
۱۰. رضایی، محسن (۱۳۸۴)، الزامات چشم‌انداز؛ تهران: انتشارات مجمع تشخیص مصلحت نظام.
۱۱. زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۰)، تحلیل کارکردهای مرزهای شرقی ایران (خراسان - افغانستان)؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه تربیت مدرس رشته جغرافیای سیاسی.
۱۲. زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر در امنیت مرزی با تأکید بر مرز شرقی ایران و افغانستان؛ مشهد: فصلنامه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی، شماره اول.
۱۳. طاهرخانی، مهدی (۱۳۸۷)، دفتر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، ارزیابی و توسعه راهبردی ظرفیت‌های اجتماعی و اقتصادی مناطق مرزی؛ تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
۱۴. عندلیب، علیرضا (۱۳۸۴)، آمایش مناطق مرزی؛ تهران: دانشگاه مالک‌اشتر.
۱۵. غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، تبیین نظری سرمایه اجتماعی؛ مجموعه مقالات همایش سرمایه اجتماعی و توسعه در ایران، مؤسسه عالی آموزش و پژوهش و مدیریت و برنامه‌ریزی.
۱۶. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی؛ تهران: نشر نی.
۱۷. مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۰)، کشورها و مرزها در منطقه ژئوپلیتیک خلیج فارس؛ ترجمه: حمیدرضا ملک‌محمد نوری، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۸. مرکز آمار ایران (۱۳۸۵)، شناسنامه آبادی‌های کل کشور.

۱۹. مویر، ریچارد (۱۳۷۹)، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی؛ ترجمه: دره میرحیدر و سید یحیی صفوی، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
۲۰. میرحیدر، دره (۱۳۷۵)، مبانی جغرافیای سیاسی؛ تهران: سمت.
۲۱. میرحیدر، دره (۱۳۸۰)، مبانی جغرافیای سیاسی؛ چاپ هشتم، تهران، سمت.
۲۲. الوانی، سید مهدی و سید تقوی، میرعلی (۱۳۸۰)، مفهوم سرمایه اجتماعی و ابعاد آن؛ فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴.
۲۳. الوانی، سید مهدی (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، مفاهیم و نظریه‌ها؛ فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴.
۲۴. وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۷)، توسعه راهبردی روستاهای مرزی کل کشور.
25. Bourdieu, P. (1980), Le capital social: notes provisoires; Actes de la Recherche en Sciences Sociales, 3, 2-3
26. Bourdieu, P. (1986), The forms of capital. In: Richardson, J.G. (Ed.), Handbook of Theory and Research for.
27. Coleman, J.S. (1988), Social capital in the creation of human capital; American Journal of Sociology, 94, 120.
28. Coleman, J.S. (1990), Foundations of Social Theory; Harvard University Press, Cambridge, MA.
29. Glassner, Martin, Ira. (1993), political geography; USA, john wiley and son.
30. National Statistics, Social Capital a review of the literature. (2001), [www.worldbank.org/poverty/scapital](http://www.worldbank.org/poverty/scapital).
31. Putnam, R.D, Leonardi, R, Nanetti, R.Y. (1993), Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy; Princeton University Press, Princeton, NJ.
32. Putnam, R.D.(1993), The prosperous community: social capital and public life; The American Prospect, 13, 35-42.
33. Putnam, R.D, (2000), Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community; New York: Simon & Schuster.
34. Putnam, R.D. (2002), Democracies sin flux, the evolution of social capital in contemporary society; oxford university press.
35. Seibert, S, Kraimer, M.L, Liden,R.C. (2001), A social capital Theory of career success; academy management journal, the Sociology of Education, Greenwood Press, Westport, CT.
36. Woolcock, Michael. (2001), the place of social capital in understanding social and economic outcome; Canadian journal of policy researches.